

جلسه بیست و چهارم اعتقادات

«معاد- ساکنان آسمان چهارم»

۱- معاد- ساکنان آسمان چهارم

«أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله آل الله، لا
سيما على بقية الله روحى و أرواح العالمين لتراب مقدمه
الفداء و اللعنة الدائمة على أعدائهم أجمعين من الآن إلى
قيام يوم الدين»

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ
ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ»^۱

در هفته‌های گذشته درباره‌ی زمانِ مرگ و عالمِ برزخ
مختصری صحبت شد. اجمالاً مقداری درباره‌ی اولیاء خدا
که وقتی از دار دنیا می‌روند چه به آن‌ها می‌رسد و چه به سر
آن‌ها می‌آید مطالبی گفتم.

۱ - سوره ق، آیه ۱۹.

۲- سرگذشت روح انسان در عوالم مختلف

و به طور کلی ما یک مسئله را باید توجه داشته باشیم که انسان در دنیا که قنطره‌ای است، پُلی است، محلّ عبوری است، فقط برای آن خلق نشده، بلکه طبق احادیث و روایات؛ دو هزار سال روح ما تحت تعلیم حقایق بوده و بعد سال‌ها یعنی از زمان خلقت حضرت آدم تا به امروز و از امروز تا به بعدها، ارواح بشر به بدنی که ذره‌ای است، کوچک است، در حقیقت ماکت این بدن است تعلق داشته و امروز هم در این بدن قرار گرفته و بعد از این دنیا بدنش عوض می‌شود؛ اولیاء خدا در بهشت برزخی زندگی می‌کنند و در روز قیامت به

همین کروی زمین بر می‌گردند و بدن اصلیشان یعنی همین بدنی که ما امروز داریم و زیر خاک می‌رود و خاک می‌شود، دوباره خدای تعالی آن را به صورت بشر در می‌آورد و روح ما در آن بدن وارد می‌شود و از آنجا یا به بهشت و یا به جهنم می‌رود.

اگر یک مختصر عمیقاً فکر کنید که آن‌هایی که به آن‌ها حکمت تعلیم داده شده؛ یعنی حقایق اشیاء را درک می‌کنند، آن‌ها خوب می‌فهمند که از قبل از خلقت حضرت آدم به دو هزار سال تا آخر، آنچه که عوالم مختلف، عالم‌های مختلف، اسمش عالم می‌شود جز یک لباس عوض کردن

چیزی نیست؛ یعنی آن وقتی که روح محض بودید بعد یک لباسی به شما داده شد به صورت ذره‌ای که این لباس را در یک عالمی پوشیدید که عالم ذر اسمش است و در ده‌ها و بلکه صدها روایت این حقیقت آمده و سپس وقتی وارد این دنیا می‌شوید، در وقتی که چهار ماه از عُمرتان در رحم مادر از نظر بدنی گذشت، روح می‌آید این لباس را می‌پوشد، در شکم مادر این لباس را به تن می‌کند و در آنجا این لباس، نه روح، این لباس بزرگ می‌شود و نه ماه که از حاملگی گذشت وارد این دنیا می‌شود، که از این جایش را هم دیده‌اید و هم تجربه کرده‌اید، کم‌کم این لباس بزرگ می‌شود، ولی روح همان روح

است، نهایت به خاطر این تحولات گاهی بعضی از مسائل را فراموش می‌کند و باز قرآن و روایات به یادش می‌آورند و بعد هم از دنیا که می‌خواهد برود این لباس را می‌اندازد. لباسی است کثیف، لباسی است فشار خون دارد، لباسی است قندش بالا رفته، لباسی است که ده‌ها مرض و نکبت به آن گرفته، خدای مهربان این لباس را از تن شما در می‌آورد، روح شما را قبض می‌کند و وارد یک لباسی که پارچه‌اش از عالم بالا است، از بهشت برزخی است و یا در بعضی از افراد که منجمله انبیاء هستند همین لباس را می‌شویند، عوض می‌کنند، پارچه‌اش را به اصطلاح ما از همین دنیا انتخاب

می‌کنند و مجموعاً همه را به طرف آسمان چهارم و پنجم در بهشت‌هایی که مملوّ از نعمت است می‌برند و در آنجا انسان زندگی می‌کند.

۳- ساکنان بهشت برزخی

این بخش مربوط به چند دسته است؛ یعنی این برزخ مربوط به کسانی است که اطاعت خدا و رسول را کرده‌اند، این بخش مربوط به شهداء است، به انبیاء است، به صدیقین و صالحین است. در اینجا یک توضیحی می‌دهم که ان شاء الله دقت کنید، یک آینده‌ی بسیار روشنی برای خودتان ترسیم

کنید، یک آینده‌ای که هیچ تاریکی نداشته باشد، چون روز قیامت طبق همین آیاتی که امروز تلاوت شد، این‌هایی که در این فکرها نیستند و به قیامت فکر نمی‌کنند و یک علمی و نوری ندارند، وقتی وارد قیامت می‌شوند، خیلی سرگردانند، حتی متمسک می‌شوند، متوسّل می‌شوند، به آن‌هایی که نورشان «يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ»^۲ جلوی آن‌ها را روشن کرده و دارند می‌روند که رویتان را به ما برگردانید و به ما هم چیزی یاد بدهید، اینجا کجا است، این عالم چه عالمی است؟ چون در تاریکی محض فرو می‌روند، آن‌ها در جواب

۲ - سوره حدید، آیه ۱۲.

می‌گویند: «ارْجِعُوا وَرَائَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا»^۳ بروید در دنیا، این مطالب را یاد بگیرید. باید شما اگر می‌خواهید ان شاء الله به این نور برسید، مطالبی که گفته می‌شود و فرموده‌ی قرآن و روایات است این‌ها را خوب یاد بگیرید، تا یک نوری داشته باشید به مجرد اینکه، «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ»^۴ سکره‌ی موت وقتی که به شما رسید، بدانید راهتان چیست؟ برنامه‌هایتان چیست؟

۳ - سوره حدید، آیه ۱۳.

۴ - سوره ق، آیه ۱۹.

۴- «و من یطع الله» چه کسانی هستند؟

یک دسته هستند در راه تزکیه نفسند؛ ببیند اگر یادتان باشد، که اکثراً یادتان هست اولین جمله‌ای که به شما در راه تزکیه نفس گفته می‌شود و اگر امشب فرصت کردید در دفاترتان نگاه کنید، خواهید دید که اول دستور ترک گناه و انجام واجبات است، باید ترک گناه کنید، انجام واجبات کنید، اطاعت خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله را کنید. این اول دستور است. یک دستور کلی، به دفاترتان نگاه کنید چه آن‌هایی که در مرحله‌ی یقظه هستند و چه در مرحله‌ی توبه، نوشته شده با این توجه می‌نویسند که ترک گناه و انجام

واجبات، واجبات هم اوّل وقت باید انجام بشود، این در حقیقت مضمون این آیه هست: «وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»^۵ کسی که اطاعتِ خدا را بکند و پیغمبر صلی الله وعلیه وآله را بکند یعنی واجباتش را انجام دهد و محرمات را ترک کند، همین جا یک مقدار بایستیم؛ کسی که واجبات را انجام می دهد و محرمات را ترک می کند، این شخص قدم اوّل را در راه تزکیه نفس برداشته، یعنی جزء مسافرین سفرِ لقای پروردگار شده، از این جهت این شخص که شروع به کار کرده، این شخص را خدا با شهداء قرار می دهد، با صدّیقین قرار می دهد و در آخر

۵ - سوره نساء، آیه ۶۹.

می‌فرماید: «وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»^۶ این‌ها خوب رفیق‌هایی هستند، برای تویی که هنوز تزکیه نفس نکردی، ولی قدم اولت را برداشتی، یک مثلی برایتان بزنم؛ اگر انسان به عشق و محبت یک دوستی که در یک شهری دارد از جا حرکت کرد، آمد در خیابان یا در ترمینال و در آنجا ماشین گرفت هنوز قدم‌های اول را بر می‌دارد، این شخص مُرد، این شخص ماشینش خراب شد و ماند، حتماً آن دوستی که آنجا هست و همه‌ی وسایل در اختیارش هست و می‌تواند خودش را به این وامانده‌ای که در راه مانده برساند، می‌رساند، می‌گوید: تو

۶ - سوره نساء، آیه ۶۹.

اشکالی ندارد، اگر چه نتوانستی به مقصد برسی اما قصدش را داشتی، اما در راه بودی. لذا در آن روایت می‌فرماید که: کسی که در راه یاد گرفتن علم باشد، خوب دَقَّتْ کنید، «مَنْ مَاتَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ» کسی که در راه یاد گرفتن علم، که همین علم قیامت است و برزخ است و همین نوری که همین آیات امروز درباره‌اش گویا بود، اگر کسی در این راه باشد و بمیرد، «مَاتَ شَهِيدًا»^۷ شهید مرده؛ یعنی تو که مرحله‌ی توبه هستی، تو که مرحله‌ی یقظه هستی، تو که مرحله‌ی استقامت هستی نتوانستی مراحل تزکیه نفست را به پایان برسانی و حالا به هر

۷ - شرح لمعه، ج ۱، ص ۴۱۳.

خاطری که بوده، مرگ آمده است و دامن‌گیری شده، تو بدان
جزء آن‌هایی هستی که «وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» کسی که
اطاعت خدا بکند، همان تصمیم روز اول که به استادت یا به
هر کسی که هست، تعهد می‌دهی که من از این به بعد
واجباتم را انجام می‌دهم و محرمات را ترک می‌کنم تو «وَمَنْ
يَطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» هستی، تو با چه کسانی هستی؟ «فَأُولَئِكَ مَعَ
الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» به تو خدا هنوز نعمت نداده اما با
نعمت داده شده هستی، هنوز تو کاری نکردی، چند روزی
آمده ای و تصمیم بر ترک گناه گرفته‌ای اما با صدیقین، با
شهداء با صالحین، با انبیاء هستی، این یک دسته. یک وقت

فکر نکنید که ما تا آخر عمر اگر مشغول تزکیه نفس بشویم شاید موفق نشویم پس چه می‌شود، مبادا ما بمیریم و برنامه‌مان را انجام ندهیم! نه، تو کار خودت را بکن، که خواهی خود روش بنده‌پروری داند، صریح قرآن است «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» این «يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» غیر از صدیقین و شهداء و صالحین و انبیاء هستند، کسی که تازه وارد شده، اسمش مطیع خدا شده، مطیع خدا باشید، مطیع رسول خدا باشید، در صراط مستقیم باشید، تا اینکه تا چشم روی هم گذاشتید یک دفعه ببینید قابض الارواح آمد، آن کسی که روح شما را راهنمایی می‌کند، آن کسی که می‌خواهد شما را به مقصد

برساند، با سلام و عرض ارادت کامل! می‌گویید: آقا من هنوز کاری نکردم، ما تازه چند روز قبل یک دفتر زیر بغلمان گرفتیم، یک تنبّهی برایمان حاصل شده، رفتیم و یک جمله برایمان نوشتند و الآن ده روزی است مثلاً، یک ماهی است که واجبات را دقیق انجام می‌دهیم و محرمات را ترک می‌کنیم! می‌گویند: خدا تو را هم پذیرفته، خیلی ارزش دارد! تو جزء کسانی هستی که «وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» ببینید صریح قرآن است، «وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأُولَئِكَ» این‌ها «مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» می‌گویند: بیایید، چشمتان را باز می‌کنید می‌بینید یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر اینجا هستند،

شهدایی که «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»^۸ اینجایند، صدیقین، صالحین همه اینجایند، در تازه توبه کرده‌ی؛ که خودت را روسیاه می‌دانی، پشتت را خم از گناه می‌دانی، می‌بینی تو را گفتند: برو اینجا، به به چقدر ارزش دارد!

اینکه من در سفر سال گذشته از عراق که آمدم گفتم جدی باشید، جدی باشید. کوچک‌ترین گناه نکنید. من یک وقت گفتم: عقب یکی از اولیای خدا، از علمای بسیار بزرگ، اکثراً چون اهل تهران بود شاید تهرانی‌ها اسمش را به پاکی شنیده

۸ - سوره آل عمران، آیه ۶۹.

بودند، می‌دویدم، جوان بودم، یک چیزی به من بگوید، خیلی
بی‌اعتنایی به من کرد، بی‌اعتنایی ایشان هم برای اینکه من را
تشنه‌تر کند، روز آخر به من گفت: هر چه که می‌دانی بد است
نکن، هر چه را هم که می‌دانی خوب است بکن، من اوّل
خیال کردم من را از سر واکرده ولی تا امروز روی همین جمله
کار می‌کنم، دلم می‌خواهد کار کنم و شما هم تا آخر عمرتان
روی همین جمله کار کنید، چون همه‌ی خوبی‌ها را، همه‌ی
بدی‌ها را خدای تعالی به انسان الهام می‌کند، «فَالْهَمَّهَا
فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»^۹ همین یک موضوع، همین یک جمله، بابا

۹ - سوره شمس، آیه ۸.

این کار بد است نکن، قبل از اینکه می خواهی انجام بدهی، خودت بگو به خودت که این کار بد است، نگذار دیگران به تو بگویند که این کار بد است تا نکنی، خودت به خودت بگو: این کار بد است، فکر کن. خودت به خودت بگو: این کار خوب است بکن، خودت به خودت بگو این کاری است که خدا گفته بکن، می کنم و خدا فرموده است که نکن نمی کنم، تا جزء «وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» باشی، خوب این عالم هم معلوم شد، ان شاء الله شامل حال همه ی شماها خواهد بود. چون به هر حال هر کدامتان درست است به بعضی از شرایطش عمل نمی کنید، درست است شُل و سُست و

غیرجَدّی هستید، امّا ان شاءالله جَدّی بشوید، قوی بشوید،
همه چیزتان تزکیه نفستان باشد، تا این آیه‌ی شریفه شامل‌تان
باشد، ما بیشترین امیدمان به این جمله‌ی اوّل این آیه است
که «وَمَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ»^{۱۰} این آقایان!
ان شاءالله همه‌ی این جمع «مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» به‌به!
یک عده‌ای را برخورد می‌کنید می‌بینید که خدا به آنها
نعمت داده،

۱۰ - سوره نور، آیه ۵۲.

۵- کسانی که خدا به آنها نعمت داده

ما در دنیا می‌گوییم: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»^{۱۱} آن‌هایی که نعمت، خدا بر آن‌ها مرحمت فرموده کی هستند؟ می‌گوییم: اهل بیت پیغمبر، علی ابن ابیطالب علیه‌السلام و فرزندان‌ش، این‌ها را خدا نعمت داده، چه نعمتی داده؟ نعمت‌هایی که ما الآن در ذهنمان می‌آید این‌ها «إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا»^{۱۲} این‌ها جز زندگی دنیا چیزی

۱۱ - سوره حمد، آیه ۶ - ۷.

۱۲ - سوره انعام، آیه ۲۹.

نیست، چیزی نیست، «لَعِبٌ وَ لَهْوٌ»^{۱۳} بازی است، بازی بیهوده.

یکی کسی از من می پرسید موسیقی که حالا در بهشت هم هست اینجا هم باشد، چرا اینجا حرام آنجا حلال؟ شراب اینجا حرام، آنجا حلال؟ من به او یک جمله گفتم، به شما می گویم، به او هم که گفتم اهل معنا بود، گفتم: اینجا جای این کارها نیست. آقا مَلَقَ زدن حلال است یا حرام؟ حلال است. شما شب برو برای اینکه بچه هایت بخندند ده تا ملق بزن، امّا در این مجلس، این مجلس برای مَلَقَ زدن نیست،

۱۳ - سوره انعام، آیه ۳۲.

الآن اگر اینجا یکی مَلق بزند به او می‌گوییم: دیوانه است، در دنیا جای این کارها نیست، وقت نداری تو، دنیا جلسه‌ی امتحان است. چند روزی آمدی یک امتحانی بدهی بروی، آنجا خودت را روسفید کنی، چیزی یاد بگیری، جای این کارها نیست، سر کی را کلاه بگذاریم که ساده‌تر باشد؟ پولدارتر باشد، نفهم‌تر باشد، یک نفر پیدا می‌کنید. دنیا جای این کارها نیست، به اندازه‌ای که بخوری، به دوستانت بدهی بخورند، فعالیت بکن و خدا عبادت را در همین راه قرار داده، آخر تو چقدر بی‌حال و بی‌غیرتی که شب تا ساعت یک بعد از نصف شب می‌نشینی موسیقی گوش می‌دهی؟! تو

مگر انسان نیستی؟! تا یک بعد از نصف شب، چه بگویم،
آخر شماها اهل این حرف‌ها نیستید، یک آقای رفته بود
منبر، در مضرّات مشروبات الکل در جمعی که در حوزه
علماء همه بودند داشت صحبت می‌کرد، یکی پا شد گفت:
آقا! من عادت کردم، این‌ها هم هیچ کدام مشروب نمی‌خورند،
این حرف‌ها چه هست می‌زنی؟ حالا ما هم، واقعاً بعضی از
حرف‌ها را نمی‌توانم با شما بزنم، شماها همه جزء آن‌هایی
هستید که «وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» یقیناً اگر شب دیر بخوابید،
به خاطر اینکه بچه‌ها بیدار نگه‌تان داشتند، به هر قیمتی
باشد، نماز صبح‌تان را اوّل وقت می‌خوانید، همین شب‌های

کوتاه؟ بله، نماز شب را اگر بیدار شدید می‌خوانید، تعقیبات می‌خوانید، قرآن می‌خوانید، من دربارهی شما که این حرف‌ها را نباید بزنم. این یک دسته هستند و ان شاء الله امیدواریم ما جزء «مَنْ يَطِيعُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» باشیم.

آن‌هایی که خدا به آن‌ها نعمت داده که ما با آن‌ها می‌خواهیم باشیم، خودمان نعمتی شاید مستحق نباشیم، اما آن‌ها نعمت دارند؛ آدم اگر مهمان یک ثروتمند مرفه‌ای شد بالاخره از ثروت او، از رفاه او استفاده می‌کند وارد می‌شویم، همیشه گفتیم: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» صراط کسانی که به آن‌ها نعمت عنایت کردی، به چه کسی نعمت داده؟ به علی

ابن ابیطالب علیه السّلام، نعمتی بالاتر از این نمی‌شود که ولایتِ مطلقه الهیه خدا به او داده باشد، نعمتی بهتر از این نمی‌شود که عصمتِ مطلقه به او داده شده باشد، نعمتی بالاتر از این نمی‌شود که با خدا مأنوس است و می‌گوییم: ما علی را خدا نمی‌دانیم از خدا هم جدا نمی‌دانیم. از این نعمت بالاتر!

جمع می‌هستند، ریز و درشت، «كَثِيرٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ، وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ»^{۱۴} انبیاء عظام، انبیاء اولوالعزم، انبیاء مرسل، انبیاء معمولی این‌ها همه ریز و درشت هستند، از همه مهم‌تر

۱۴ - سوره واقعه، آیه ۱۳ - ۱۴.

چهارده معصوم که ما اگر بخواهیم این‌ها را با بشر مقایسه کنیم اشتباه کردیم، «لَا يَقَاسُ بِنَا أَحَدٌ»^{۱۵} باید با خدا مقایسه‌اش کرد، مقایسه‌شان کرد این‌ها همه در آنجا جمع‌اند، آقا بفرمایید، من؟ بله جناب‌عالی، چرا؟ به خاطر اینکه چند روزی بود تصمیم گرفته بودی که اطاعت خدا و پیغمبر صلی‌الله‌وعلیه‌وآله را بکنی، تو هم با این‌ها باش.

۱۵ - وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۲.

۶- انبیاء با بدن دنیایشان به آسمان چهارم می‌روند

انبیاء اکثراً در روایات دارد با همین بدنِ دنیایی‌شان، ممکن است مثل حضرت عیسی مستقیم به بالا نرفته باشند، چون حضرت عیسی را مسیحی‌ها اشتباه می‌کنند می‌گویند: حضرت عیسی را به صلیب آویختند و بعد از سه روز خدا او را با همین بدن زنده‌اش کرد و برد بالا، قرآن می‌گوید: «وَمَا قَتْلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ»^{۱۶} او را نکشتند و دارش هم نزنند، «بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ»^{۱۷} خدا همین طور بردش بالا، انبیاء دیگر هر کدام که کشته شدند، روایت دارد، این‌هایی که می‌گوییم نه خودم دیدم، نه

۱۶ - سوره نساء، آیه ۱۵۷.

۱۷ - سوره نساء، آیه ۱۵۸.

مکاشفه‌ای داشتیم، نه هیچ، روایاتِ معصومین هست، در کتاب «مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه» در این کتاب که شرحی بر کتاب «من لا يحضره الفقيه» مرحوم مجلسی اوّل، آخر پدر مجلسی دوّم که صاحب بحار الانوار است ایشان از علماء بزرگ بوده و اهل معنا هم بوده، که کتاب‌هایی هم نوشته، یکی از کتاب‌هایش که مُجلّدات بسیاری است در شرح «من لا يحضره الفقيه» است که مرحوم ابن بابویه شیخ صدوق این کتاب را نوشته، ایشان شرح داده. مرحوم صدوق یک روایت درباره‌ی اینکه می‌خواهم عرض کنم، در «من لا يحضره الفقيه» آورده ولی مرحوم مجلسی در شرح «مَنْ لَا يَحْضُرُهُ» می‌گوید:

دوازده روایت صریح به این مضمون هست و آن روایت این است که وقتی یک پیغمبر یا وصی یک پیغمبر از دار دنیا می رود خدای تعالی بدن آن پیغمبر و آن وصی پیغمبر را به بالا می برد، همان به آسمان چهارم می برد، کلمه ی تتمه ی روایت این است: «بَلَحْمِهِ وَ عَظْمِهِ وَ دَمِهِ» حتی خونس را هم می برند، پس انبیاء و اوصیای انبیاء این ها با همین بدن دنیایشان در آنجا هستند و هیچ مشکلی هم نیست. چون خدای تعالی درست می کند، خیلی از اوقات بوده ما لاغر بودیم چاقمان کرده، چاق بودیم لاغرمان کرده، خوب، بدگل بودیم خوشگل مان کرده، خوب، خیلی از این کارها خدای

تعالی کرده در همین دنیا و به طور کلی انسان را زیبا می‌کند
و انبیاء را می‌برند،

شهداء و صالحین و صدیقین این طور نیستند بدنشان
می‌ماند، در روایت دارد که بدن این‌ها می‌ماند در زمین برای
برکت زمین، برای اینکه مردم زمین پر برکت باشند و استفاده
کنند از قبور آن‌ها، از بدن آن‌ها که این‌ها اوتاد ارض‌اند و فوراً
برایشان بدنی خلق می‌شود و آن‌ها هم فرقی برایشان نمی‌کند،
حالا شما باید یک دست لباس فاخر خوب داشته باشی حالا
پارچه‌اش مال این شهر باشد یا مال آن شهر، فرقی نمی‌کند و
در آنجا انسان زندگی می‌کند، زندگی‌اش را شروع می‌کند.

همان طوری که هفته‌ی قبل گفتم، بدن یک شهید قطعه قطعه شده.

۷- شهداء در آسمان چهارم روزی می‌خورند

چرا خدای تعالی «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^{۱۸} را در خصوص شهداء فرموده و در خصوص صدیقین و صالحین نفرموده که این‌ها در نزد خدا روزی می‌خورند؟ برای اینکه انسان شهید را می‌بیند مثلاً در مقابل، حالا از آن زمان شروع کنیم، شمشیر قطعه قطعه شده، یا در مقابل ترکش مثلاً یک

۱۸ - سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

گلوله یا یک بُمب قرار گرفته قطعه قطعه شده، این را چون انسان می‌بیند ممکن است باورش نیاید، خدای تعالی خواسته آن‌ها را بخصوص تعیین کند، می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ» حتی گمان نکن، حتماً هم گمان نکن، با نون تأکید ثقیله هم فرموده است، گمان نکن که چه؟ «الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» آن‌هایی که کشته می‌شوند در راه خدا، ببینید یک شرط اولیه‌ی شهید این است که در راه خدا باشد، یعنی از خانه‌اش که پا می‌شود می‌گوید: خدایا! برای تو آمده‌ام، در جبهه که هست بگوید: خدایا! برای تو می‌روم، در هر حال و هر لحظه جان‌ش را روی دست گذاشته باشد و برای خدا و

برای دینِ خدا کار بکند، این شخص را می‌گویند: شهید، حالا یا با اجتهاد خودش باشد- این را هم به شما بگویم- یا خودش مجتهد باشد مجتهد حسابی‌ها، نه همین طوری مثل معاویه هم گفت: من مجتهدم و هر کاری می‌خواست می‌کرد، نه، واقعاً بنشیند از کتاب و سنت تحقیق کند، ببیند که الآن وقتش است که برود در یک جبهه‌ای شهید بشود و کشته بشود، برای خدا حرکت کند، این شخص «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتاً» شما این‌ها را مرده فکر نکنید، مرده نیستند، آخر ما دیدیم مُرد، تو با این چشمت دیدی مُرد، با چشمِ دلت، تو چشمِ دل اگر داری آن را باز کن، ببین چطور

روح او وارد یک بدن دیگری شد و رفت به آسمان، بین علی اکبر سید الشهداء علیه السلام چطور پرواز کرد، بین حضرت ابوالفضل خدا در بهشت دو بال، بال منظور دو قدرت قوی به او عنایت کرده که تمام شهداء به حالش غبطه می خورند، جعفر طیار بین چطور در آسمان ها طیران می کند و با آن قدرتی که خدا به او داده همه جا می رود، این طوری فکر کن «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ» بلکه زنده هستند، خب تا اینجا ممکن است یکی بگوید که خوب روحشان زنده است بدنشان از بین رفته، می فرماید: «عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ» در نزد پروردگارشان، مربی این ها غیر از خدا می دانید

چه کسی هست؟ مربی این‌ها همان کسی است که «وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا»^{۱۹} کی به شما لبِ حوض کوثر آب عنایت می‌کند؟ «وَ اشْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَأْسِهِ وَ بِيَدِهِ رِيَا رَوِيَا هَنِيئًا سَائِغًا لَا ظَمًا بَعْدَهُ»^{۲۰} ربّ آن است، «عِنْدَ رَبِّهِمْ» نشسته سر سفره، جدّاً سر سفره نشسته بدون حرف «يَرْزُقُونَ» روزی می‌خورند. یکی از علماء در دم افطار کشتنش، می‌گفت: دیدم علی ابن ابیطالب علیه السلام من را گرفت در بغل، گفت: بیا برویم با هم بنشینم افطار کنیم، این ربّ آن هم

۱۹ - سوره انسان، آیه ۲۱.

۲۰ - مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

مرّبّا است، این، همان لحظه دم افطار، «عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ» این هم مال شهداء است.

صالحین و صدیقین، روایات زیادی در همین چاپ اخیر عالم عجیب ارواح خدا حفظ کند دوست عزیزمان آقای مسعودی، روایاتش را پیدا کردند و آن جا در پاورقی نوشتیم که این ها «يَاكُلُونَ، يَشْرَبُونَ»^{۲۱} حتّی آب می خورند، حتّی غذا می خورند، این طوری، خب پس شهداء این طور، «عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ» ماها باور نمی کنیم والاّ خدا می داند من که اگر باورم بیاید دلم می خواهد همین امشب بروم آن دنیا و فردا شب

۲۱ - کافی، ج ۳، ص ۲۴۴.

خدمت علی ابن ابیطالب علیه السلام آنجا با هم غذا بخوریم، چه از این بهتر؟ الآن اگر به شما دعوت کنند، شما را که یک مجلسی هست فردا شب، پس فردا شب، یک ماه دیگر، آنجا آقا امام زمان هم هستند و سر سفره با هم می‌نشینید و غذا می‌خورند، «عِنْدَ رَبِّهِمْ» دیگر، ربّ ما چه کسی است؟ خدا که غذا نمی‌خورد، «عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ» فکر نمی‌کنم احدی از این جمع باشد که آرزوی یک ماه دیگر را نکشد، ساعت شماری می‌کند، چند ساعت دیگر مانده، چند روز دیگر مانده؟ این طوری می‌شود، منتها خب حالا خدا شاید غفلت به ما داده که نقداً بازی مان را ادامه بدهیم،

نقداً در این دنیای پُرمحنت، پُربلا، پُر حسادت، پُر، چه
بگوییم؟ باور کنید زندان است دنیا برای مؤمن، با اعمال شاقّه،
عادت کردیم، اعمال شاقّه، می‌گویید: آقا چه مشقتی؟ چه
مشکلی؟ یک خورده غذا بیشتر ظهر بخور، عصری نمی‌توانی
حرف بزنی روی منبر، من خودم مقیدم وقتی که می‌خواهم
بیایم برای منبر، قبلش اگر می‌خواهم غذایی بخورم یک خورده
کمتر بخورم، شکم نفخ می‌کند، سردرد می‌آید، گرم باشد،
عرق می‌ریزد، سرد باشد سرما می‌خورد، آخر این زندگی شد با
این هوای آلوده‌ی تهران؟ «عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ» صالحین،
صدیقین همین طورند، «يَأْكُلُونَ، يَشْرِبُونَ»

حالا اگر من بخواهم توصیف آن اندازه‌ای که تو روایات هست، توصیف بهشت برزخی را بکنم لااقل پیرمردها می‌گویند: خدایا! زودتر، حالا اگر جوان‌هایش نگویند عقلشان کمتر است چون والا همه باید بگویند خدایا زودتر و می‌گویند هم، کنار قبرستان که می‌روید یک دعایی است، مأثور هم هست، خوب هم هست خوانده هم باید بشود: «السَّلامُ عَلَی أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»^{۲۲} تا می‌رسید به آنجا که می‌گویند: «إِنَّا أَنْشَاءُ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ» ان شاء الله ما ملحق می‌شویم به شماها، بله، ما می‌آییم، اگر معنایش را بعضی‌ها بفهمند

۲۲ - بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۲۰۳.

نمی‌گویند! ولی خب خیلی واضح است، «إِنَّا ان شاء الله بِكُمْ
لَا حِقُون»^{۲۳} این یک حقیقتی است خدا می‌داند، می‌گویند
یک مردی، یک به اصطلاح اهل معنایی، حالا اگر از دراویش
بوده که ما کارش نداریم یا از متصوفه بوده، ولی حالا هر چه؟
این مثالش بد نیست، روز روشن چراغ برداشته بود می‌گشت،
گفتند: دنبال چه می‌گردی؟ گفت: از دیو و دد ملولم و انسانم
آرزوست.

ما یک وقتی با یکی از اولیاء خدا بود مرد بسیار خوبی بود خدا
رحمتش کند، همه‌ی کلماتش تنبّه‌آور بود، ایستاده بودم

۲۳ - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲۵.

ایشان می‌خواست برود دستشویی، گفتم: آنجا آدم است،
گفت: اِ آدم؟ دنبال آدم می‌گشت - حالا در توالت - گفتم:
مگر چطور؟ حالا من هم حواسم نیست. آدم؟ پس بایستیم
ببینیم چیست؟ کیست؟ واقعاً آخر ما چه مرض داریم که این
اندازه به پر و پای همدیگر می‌پیچیم، چه مرض داریم به
کسی که به کلّی به شما بدی نکرده اینقدر بدی می‌کنید؟
آخر یک حدّی دارد بدی کردن، امیدواریم خدای تعالی
همه‌ی ما را از همه‌ی خوبی‌ها برخوردار بفرماید و فرج امام
زمان ارواحنفا‌داه ما را برساند.

ما چون یک عَمّامه‌گذاری داریم اینجا و روز عید است و به همه شما تبریک عرض می‌کنیم، امیدواریم خدای تعالی عید سعید میلادِ مسعود حضرت امام عسکری علیه‌السلام پدر بزرگوار حضرت بقیه الله ارواحنا فداه را بر همه‌ی شما مبارک قرار بدهد و سایه‌ی مقدّس امام زمان ارواحنا فداه را بر سر ما هم مستدام بدارد، ای کاش! ما هم مثل احمد بن اسحاق ولو در آن سنین خردسالی از نظر بدنی خدمت آقایمان می‌رسیدیم. ان شاء الله به زودی ظهور پُر نعمت وجود مقدّس آن حضرت انجام خواهد شد و چشمان به جمال مقدّسش نورانی خواهد شد.

«نسئلك اللهم و ندعوك باعظم اسمائك و بمولانا
صاحب الزمان يا الله و يا الله و يا الله و يا الله و يا الله يا
الله» خدایا سربازان امام زمان ارواحناده را در پناه امام زمان
ارواحناده حفظ بفرما. فرج آن حضرت را برسان.
گرفتاری‌های مسلمین با فرج آن حضرت برطرف بفرما.
امواتمان، شهدایمان غریق رحمت بفرما. ایمان کامل به
همه‌مان مرحمت بفرما. پروردگارا به آبروی آقایمان حجه ابن
الحسن قسمت می‌دهیم ما را در راه تزکیه نفس و رسیدن به
کمالات و ملحق شدن به صلحاء و شهداء و انبیاء و
صدیقین موفق بفرما. پروردگارا دین و دنیای ما را در پناه امام

زمان ارواحنافداه حفظ بفرما. مرض‌های روحی‌مان شفا
مرحمت بفرما. مریض منظور الساعه شفا مرحمت بفرما.
مریضه‌ی منظوره الساعه لباس عافیت بیوشان. امواتمان را
غریق رحمت بفرما. عاقبت امرمان ختم بخیر بفرما. «وَعَجَّلْ
فِي فَرَجِ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ»